

رساله

## اركان توسعه جامع



آية الله العظمى سيد رضا حسيني نسب



# پیشگفتار

کلمه توسعه در زبان عربی و معادل آن (development) در زبان انگلیسی، به معنای وسعت بخشیدن و گسترش دادن است.

## تعریف توسعه

این واژه در اصطلاح دانش امروز، به معنای تکامل و پیشرفت کشورها و جوامع انسانی است که لازمه آن، نوسازی، رشد همه جانبه، و خروج از عقب ماندگی ها و محدودیت های جامعه بسته پیشین می باشد.

تعریف های دیگری برای "توسعه" صورت گرفته است که در اینجا نمونه هایی از آنها را یاد آور می شویم:

1. توسعه عبارت است از: بهبود، رشد و گسترش همه شرایط و ابعاد مادی و معنوی حیات اجتماعی در کشور که در رابطه بین دولت و ملت بوجود می آید و شرایط مناسبی را از امنیت، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، رشد اقتصادی و رفاه عمومی را فراهم می سازد.

2. از دیدگاه برخی از اقتصاد دانان مانند مایکل تودارو (Michel Todaro)، توسعه عبارت است از: جریانی چند بعدی که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق مردم است.

3. بعضی از جامعه شناسان نیز، مانند "گای روشه" (Guy Rocher)، توسعه را از منظری دیگر به این صورت تفسیر کرده اند: بطور کلی

صحبت از مفهوم توسعه، قضاوتی است  
ارزشی که با ارزش‌های معینی ارتباط دارد و  
این مفهوم با نظامی از ارزش‌ها مرتبط می‌شود  
که دارای کارکرد است.

بنا بر آنچه گذشت، روشن می‌گردد که توسعه در  
اصطلاح، به معنای دگرگون ساختن وضع موجود  
جامعه در جهت پیشرفت و مدرنیزه کردن سازمانهای  
اساسی آن و در چهار چوب ارزش‌های جامعه  
است.

برخی از دانشمندان ، توسعه را یک ایدئولوژی  
دانسته‌اند که بر تحول و دگرگونی ارگانیک دلالت  
می‌کند و ناظر بر ارزشهای جامعه می‌باشد.

بنا بر این ، توسعه با ایستایی و حفظ وضع موجود در  
تعارض است و در عین حال ، با ملاحظه ارزشهای  
ملی ، فرهنگی و دینی تحقق می‌یابد. بر همین  
اساس ، بسیاری از پژوهشگران ، توسعه را فرایندی

دانسته اند که بهبود مستمر در همه ابعاد زندگی انسانی ، اعم از مادی و معنوی را تضمین می کند.

### **ابعاد توسعه**

از مجموع تعاریف دانشمندان رشته های اقتصاد و جامعه شناسی معلوم می گردد که توسعه، تنها به رشد اقتصادی اختصاص ندارد، بلکه باید جامع ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد، تا تحقق آن در جامعه بشری، موجب ایجاد تحولات پایدار و مؤثر باشد.

در پرتو تجارب بشری روشن می گردد که فراگیربودن توسعه در این ابعاد چهارگانه دگرگونی اساسی و رشد مستمر کشورهای را رقم زده، و در سایه تحقق آن ، فرایند توسعه ملی شکل گرفته است. اینک، به شرح هریک از ارکان اساسی توسعه می پردازیم.

\*\*\*\*\*

## توسعه سیاسی

یکی از مهمترین ارکان توسعه، که به اعتباری پشتوانه دیگر ابعاد می باشد و بدون آن، تضمینی برای دوام و بقای آنها نیست، توسعه سیاسی می باشد.

### تعریف سیاست

کلمه "سیاست" در لغت، به معنای اداره کردن امور، اصلاح کارهای مردم، و حکمرانی آمده است. اما علم سیاست، عبارت است از دانش تدبیر امور جامعه در راستای به صلاح آمدن زندگانی مردم. ابونصر فارابی می گوید: سیاست، هدایت خلق است به سوی خالق در مدینه فاضله توسط رهبر.

به ابو حامد غزالی نیز چنین نسبت داده شده که: سیاست عبارت است از: استصلاح مردمان و

نمودن بدیشان راه راست را، که نجات دهنده است  
در دنیا و آخرت .

بعضی از اهل این فنّ، سیاست را به معنای روندی  
دانسته اند که در آن، شهروندان کشور به اتخاذ  
تصمیم جمعی مبادرت می ورزند.

برخی از دانشمندان، موضوع علم سیاست را دولت،  
و بعضی دیگر آن را قدرت دانسته اند.

جمعی از دانشمندان معاصر نیز، موضوع علم  
سیاست را سه پدیده به شرح ذیل می دانند:

1. رفتار سیاسی.

2. نهادهای سیاسی.

3. پدیده های سیاسی.

### **تعریف توسعه سیاسی**

یکی از تعاریف مشهور توسعه سیاسی، به شرح  
ذیل است:



توسعه سیاسی، فرایندی است که مستلزم تحقق مشارکت عمومی، دموکراسی، استقرار نظام، نوگرایی، اصلاحات اداری و بسیج نیروها و امکانات می باشد.

تعریف دیگر این پدیده بدین شرح است:

توسعه سیاسی به معنای توانایی ذاتی یک نظام، جهت پاسخگویی به نیازهای مردم است که مبتنی بر مشروعیت و مشارکت همگانی مردم در امور سیاسی می باشد.

سومین تعریف، از قرار زیر است:

توسعه سیاسی عبارت است از افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و افزایش مشارکت سیاسی.

## **اصول توسعه سیاسی**

اصول اساسی توسعه سیاسی عبارتند از:

- 1- دموکراسی و مردمسالاری. مبنای این اصل، در همین بخش، توضیح داده خواهد شد.
- 2- تحقق آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم که در همین بخش شرح داده می‌شود.
- 3- حاکمیت قانون در جامعه از طریق دین قوانین پیشرفته و متقن و اجرای صحیح و قاطعانه آن.
- 4- ارتقاء مشروعیت نظام در پرتو پشتیبانی ملت و تقویت رابطه دولتمردان با مردم و عملکرد صحیح حکومت.
- 5- توزیع منطقی قدرت بر مبنای اصل تفکیک قوا.
- 6- افزایش کارایی نظام اداری و رفع نواقص دیوانسالاری در جهت خدمت‌رسانی بهتر به مردم.
- 7- توانایی نظام در جذب مشارکت مردم در عرصه‌های محلی و ملی.
- 8- هماهنگی عملکرد نظام با چشم‌اندازها و سیاست‌های اعلام شده آن .
- 9- استقلال سیاسی کشور و رفع وابستگی.

10. تقویت وحدت ملی و برطرف ساختن نزاع های قومی، مذهبی و فرهنگی.
11. پاسخگو بودن نظام در تمام رده ها در برابر مردم.
12. شایسته سالاری و تخصصی شدن ساختارها از طریق تربیت کادر متخصص و سپردن امور به مدیران لایق.
13. توانایی نظام در ایجاد انسجام میان ارزش ها و عملکردها.
14. پیاده کردن سیاست گفتگو ، تفاهم ، احترام متقابل و تنش زدایی در همه عرصه های کشوری ، منطقه ای و بین المللی.
15. استقبال از نوگرایی و کثرت گرایی سیاسی.
16. ترجیح منافع و مصالح ملی بر کلیه گرایشهای جناحی ، گروهی ، حزبی ، قومی و غیر آن .
17. اتخاذ سیاست مدارا و شکیبایی در تعامل با دیگران در عرصه های داخلی و خارجی.

18. بالا بردن کارایی دستگاه دیپلماسی کشور بر مبنای کارشناسی دقیق ، ابتکار در عمل ، توانایی مدیران و اقدام بهنگام ، در جهت تأمین منافع ملی در منطقه و در سطح بین المللی.

### **دموکراسی و مردمسالاری**

پدیده دموکراسی در دنیای امروز ، موافقان زیاد و مخالفانی نیز دارد. اما به طور کلی اگر در یک نظام مردمسالار ، هم رای ها و هم رای دهندگان آزاد باشند و در عین سلطه اکثریت ، حقوق اقلیت نیز محترم شمرده شود و از حرمت سنتها و ارزشهای جامعه پاسداری بعمل آید و تحزب های مصنوعی به نظام چند حزبی نهادینه شده و عادلانه تکامل یابد، آنگاه بسیاری از نواقص دموکراسی برطرف می گردد و چهره واقعی و درخشان مردمسالاری جلوه گر می شود. نکته مهم این است که نباید دموکراسی به دیکتاتوری و استبداد اکثریت بر علیه حقوق

انسانی و طبیعی اقلیت بینجامد. در غیر این صورت،  
دموکراسی نخواهد توانست مشکلات کلان جامعه  
را حل کند و آرامش و رفاه و صلح و امنیت را به  
ارمغان آورد.

### **ارکان مردمسالاری**

پایه های اصلی دموکراسی عبارتند از:

1. انتخابات آزاد و تعیین رهبران و کارگزاران نظام بر مبنای رأی مرد.
2. فراهم ساختن زمینه مشارکت مردم در توسعه همه جانبه کشور.
3. پاسخگو بودن مسئولان در تمام رده های حکومتی در برابر مردم و مطبوعات آزاد.
4. آزادی افراد ، رسانه ها و دستگاه های ارتباط جمعی در نقد حکومت و عوامل آن، بدون اینکه

خوفی از عواقب انتقادات وجود داشته باشد و یا تهدیدی آنها را از انتقاد باز دارد.

5. فعال شدن سازمانهای مردمی و غیر دولتی (NGO)، در چهار چوب قوانین و فراهم ساختن زمینه توسط دولت جهت بازدهی بهتر آنها در راستای منافع ملی.

### **آزادی های اساسی و حقوق شهروندان**

بدست آوردن آزادی ، یکی از آرمانهای بلند انسانها در طول تاریخ بوده و بستر بالندگی جوامع بشری و یکی از والاترین رسالتهای پیامبران در طول تاریخ به شمار می رود. رعایت حقوق مردم، در صورت فراهم شدن زمینه تحقق آزادی های سیاسی و اجتماعی در جامعه، تضمین می گردد.

مهمترین حقوق و آزادیهای اساسی که حکومت باید در چهارچوب قانون محترم شمارد و با تمام امکانات خود از آنها حراست نماید ، به شرح زیر می باشد:

1. حق حیات و سلامتی به عنوان یکی از طبیعی ترین حقوق انسان ها که خداوند برای انسان ها خواسته است.

2. آزادی اندیشه و عقیده به عنوان یکی از اساسی ترین انواع آزادی انسان از یوغ بندگی و بردگی.

3. آزادی بیان و مطبوعات به منظور ارزیابی رفتارهای حکومت و انتقاد سازنده آنها، جهت پیشگیری از دیکتاتوری حاکمان.

4. آزادی همایش ها و اجتماعات مسالمت آمیز در چهارچوب قانون.

5. آزادی تشکیل احزاب ، انجمن ها ، جمعیت ها و اتحادیه ها در جهت کثرت گرایی سیاسی.

6. آزادی انجام امور دینی و فرهنگی به صورت مسالمت آمیز و تضمین حقوق پیروان ادیان و مذاهب.

7. آزادی انتخاب شغل در چهار چوب قانون.

8. آزادی در شیوه زندگی شخصی ، تا جایی که موجب سلب حقوق دیگران و بر خلاف نظم و قانون نباشد.

9. مصونیت منازل شخصی مردم و عدم جواز ورود مأموران به خانه ها ، مگر به حکم قانون.

10. مصونیت نامه های خصوصی و اسرار تلفنی و امثال آن و عدم کنترل آنها ، مگر در چهار چوب قانون.

11. عدم تبعیض نژادی.

12. رعایت عدالت در خصوص زنان و مراعات حقوق و کرامت آنان بر اساس قانون.

13. تساوی افراد و اقشار مردم ، اعمّ از قوی و ضعیف، رئیس و مرئوس، ثروتمندان و تهیدستان در برابر قانون.



14. در نظر گرفتن اصل برائت در تعامل با مردم ، مگر اینکه خلاف آن توسط مراجع قانونی به صورت قطعی به اثبات برسد.

15. ممنوعیت خشونت ، شکنجه و توسل به اسلحه برای اهداف عقیدتی ، گروهی، قومی و غیر آن.

16. ممنوعیت توهین و افتراء بر علیه اشخاص ، سازمانها ، گروه های نژادی و پیروان مذاهب.

17. مصونیت مال ، جان ، ناموس و آبروی مردم در پناه قانون.

با عنایت به اصول فوق، و در پناه التزام و عمل به آنها، نه تنها وضعیت سیاسی یک جامعه متحوّل می شود، بلکه زمینه برای توسعه و تحوّل اساسی در عرصه های دیگر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز، فراهم می گردد.

بدین جهت، به نقش توسعه سیاسی به عنوان  
تضمین کننده دوام و بقاء توسعه در سه عرصه دیگر،  
اشاره کردیم.

\*\*\*\*\*

## توسعه اقتصادی

واژه "اقتصاد" در لغت، به معنای میانه روی و اعتدال است. اما علم اقتصاد در اصطلاح علوم و دانش های بشری، دارای تعاریف گوناگونی است که برخی از آنها را از نظر شما می گذرانیم:

### تعریف علم اقتصاد

**تعریف اول:** علم اقتصاد به دانشی اطلاق می شود که به تخصیص بهینه کالاها و فراورده ها می پردازد.

**تعریف دوم:** اقتصاد عبارت است از: علم تخصیص منابع محدود برای تامین نیازها و خواسته های نامحدود.

**تعریف سوم:** علم اقتصاد، یعنی تدبیر منزل (اداره شئون زندگی). این تعریف به ارسطو نسبت داده شده است.

**تعریف چهارم:** اقتصاد ، علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل است. این تعریف به اقتصاد دان معروف، آدام اسمیت نسبت داده شده است.

**تعریف پنجم:** اقتصاد ، عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع. این تعریف به استوارت میل منسوب است.

**تعریف ششم:** اقتصاد ، عبارت است از مطالعه بشر در زندگی شغلی و حرفه ای. این تعریف به آلفرد مارشال نسبت داده شده است.

### **تعریف اقتصاد توسعه**

مقصود ما از توسعه اقتصادی عبارت است از:  
"فرایند رشد اقتصادی و ارتقاء فنی و سازمانی در عرصه تولید و تخصیص منابع مادی و انسانی ؛ همراه با عدالت توزیعی و کاهش نابرابری ".  
بر این اساس ، " توسعه اقتصادی " مفهومی فراتر از " رشد اقتصادی " است و علاوه بر اهتمام به

شاخصهای کمی مانند تولید ناخالص ملی و داخلی، به بررسی تغییرات ساختاری در زمینه کیفیت انجام تولید و تخصیص منابع می پردازد و در عین حال ، با تکیه بر تأمین اهداف اجتماعی ، تداوم رشد اقتصادی را تضمین می کند.

### **اهمیت توسعه اقتصادی**

با مطالعه فلسفه تاریخ تمدن‌ها روشن می گردد که توسعه اقتصادی ، یکی از اصول اساسی کرامت ، استقلال و پویایی جامعه است و بدون دستیابی به این موهبت بزرگ، امکان رسیدن به مقام توسعه ملی وجود ندارد و تمامیت سیاسی ، شئون ملی ، مبانی فرهنگی و بنیانهای اجتماعی نیز، در معرض خطر قرار می گیرند.

نبا بر این ، اهتمام ورزیدن به امر توسعه اقتصادی ، از مهمترین اولویتهای جامعه محسوب می شود و

افزایش تلاشهای دولت و نهادهای اقتصادی کشور  
را در این زمینه می طلبد.

### **نمادهای توسعه اقتصادی**

در جهان امروز مشاهده می کنیم که برخی از  
کشورها در اروپای غربی ؛ آمریکای شمالی و شرق  
آسیا ، با انتخاب سیاستهای حساب شده،  
توانستند به سرعت از پیچ و خم جاده توسعه  
اقتصادی بگذرند و تجارب گرانبهایی در زمینه رشد  
اقتصادی بدست آورند.

در تفسیر و تحلیل این رشد ، پیروان مکاتب اقتصادی  
کلاسیک ، نئو کلاسیک، مکتب کینز و امثال آنها ؛  
دیدگاه های خاص خود را در جهت طراحی نظام  
اقتصادی مطرح نموده اند.

البته ، هریک از این مکاتب یادشده در عرصه های  
مورد مطالعه خویش ، دستاوردهایی را ارائه داده اند  
که به گفته " لوئیس " (یکی از صاحب نظران علم

اقتصاد توسعه)، به دیدگاه های کلیدی آنان مراجعه می شود.

به عنوان نمونه ، کلاسیکها در مورد بازار آزاد ، نئو کلاسیکها در زمینه کارآفرینی ، پیروان مکتب شیکاگو در زمینه نقش آموزش ، فیزیوکراتها در خصوص کشاورزی و مکتب سوداگران (مرکانتلیستها) در زمینه مازاد صادرات ؛ نقطه نظرهای ارزشمندی را مطرح نموده اند.

آیین اسلام نیز، در جهت تنظیم روابط اقتصادی میان افراد و کشورها، قواعدی کلی ارائه نموده که در ابواب اقتصادی فقه اسلامی به تفصیل بیان گردیده است.

شایسته است کمالات و تجارب گرانبهای کشورهای توسعه یافته را مطالعه نماییم و با دیدی کارشناسانه و مبتکرانه و با ملاحظه ویژگیها و ظرفیتهای واقعی کشور، این دستاوردها را مورد استفاده قرار دهیم.

در اینجا به منظور رعایت اختصار، اصول اساسی را که در تدوین و اجرای طرح توسعه اقتصادی نقش دارند؛ یادآور می شویم:

1. الزام دستگاههای اقتصادی به امر آموزش مستمر در همه سطوح مدیریتی اقتصادی و فنی، بر اساس آخرین دستاوردهای علمی در سطح جهان.

2. اصل قرار دادن سیاست واردات دانش، بجای واردات کالا.

3. افزایش اعتبارات در زمینه تحقیقات و فن آوری.

4. زدودن تبعیض میان اقوام کشور و تلاش در جهت تقسیم عادلانه ثروت میان اقوام و اقشار جامعه.

توضیح: تقسیم ثروت، به معنای گرفتن از اغنیاء و دادن به فقراء نیست؛ بلکه به معنای ایجاد رشد اقتصادی و توزیع مازاد آن بر اقشار مستمند میباشد.



5. کاستن از کمیت فعالیتهای اقتصادی دولت و افزایش کیفیت هدایتی و حمایتی آن در زمینه تغییر فنی توسط مؤسسه های پژوهشی و ایجاد تعادل در عرصه های تولید و مصرف و اهتمام به زیرسازیهای و ساختارهای بنیادین صنعتی و ارائه اطلاعات مورد نیاز بازار.

6. هدایت فرایندهای اقتصادی توسط دولت ، به منظور کاستن تفاوتهای توزیعی میان مردم ، در حدی که از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی قابل قبول باشد.

7. ایجاد ارتباط متقابل میان بخشهای آموزشی و مدیریتهای اجرایی اقتصادی کشور در جهت تبادل تجارب و معلومات و برآورد میزان عرضه و تقاضا در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص.

8. توجه به نقش اساسی عامل انسانی و توزیع مناسب سرمایه میان بخشهای صنعتی و کشاورزی.

9. برنامه ریزی در جهت رشد تولید ملی ، نسبت به مصرف ملی.

10. توجه به شاخصهای توسعه انسانی (HDI) شامل طول عمر ، امید به زندگی، میزان دانش و درآمد پایه ؛ به عنوان معیار توسعه اقتصادی پایدار ؛ در کنار توجه به تولید ناخالص ملی (GNP) به عنوان معیار رشد اقتصادی.

11. برنامه ریزی در جهت جلوگیری از خروج سرمایه های داخلی و گسترش سرمایه گذاری خارجی ، از طریق اعطاء تضمینهای لازم و فراهم آوردن ثبات سیاسی.

12. اهتمام به سیاستهای تعاونی در جهت ایجاد ساختارهای عادلانه اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی .

13. محدود کردن واردات ، به منظور تشویق صنایع داخلی ، همگام با تضمین ارتقاء سطح کیفی آن.

14. بهینه سازی روشهای تولید در زمینه های صنعت ، کشاورزی ، دامداری ، شیلات وغیره.
15. بالا بردن سطح تراز بازرگانی و رفع موانع صادرات.
16. اولویت دادن سرمایه گذاری صنعتی به موارد پیوند ماقبل و مابعد ، مانند صنعت پتروشیمی ، ذوب آهن و امثال آن.
17. قرار گرفتن میزان سود سرمایه دار در سطحی که با سهم دستمزد از مجموع محصول خالص همخوانی داشته و با تولید کالای دستمزدی (مقدار کالایی که با دستمزد می توان خرید) متناسب باشد.
18. تنظیم نظام مالیاتی بر مبنای محاسبه دقیق "رانت" ، به نحوی که انگیزه اشتغال ، به قوت خود باقی بماند.

19. برنامه ریزی در جهت صرفه جویی در مصرف و انضباط مالی و جلوگیری از اسراف ، بویژه در حوزه مصارف ارزی.

20. بالا بردن سطح اشتغال از طریق اجرای طرحهای اساسی ، مانند برطرف کردن کسری تراز تجاری و افزایش استفاده از نیروی کار در زمینه کالاهای صادراتی و مواد خام. به عنوان مثال، تقویت و توسعه پتروشیمی که موجب ایجاد اشتغال بیشتر می گردد و در عین حال ، درآمد حاصل از فروش نفت را افزایش می دهد.

21. اهتمام ویژه به تولید مایحتاج ضروری جامعه مانند مسکن ، امکانات آموزشی و بهداشتی ، توسعه شبکه های آب و برق ، تامین سوخت و امثال آن.

22. کاربر کردن ساختار تولید ، به منظور رشد اشتغال و نهایتا ، افزایش دستمزد واقعی نیروی کار.

23. سرمایه گذاری در زمینه تولید انرژیهای جایگزین نفت و گاز ، بویژه انرژیهای پاک.

24. مبارزه با فساد اقتصادی ، قاچاق ، رانت خواری و بازار سیاه.

25. تعادل در امر کاهش و افزایش حجم پرداختهای انتقالی رفاهی ، تا از یکسو میزان تورم کنترل شود و بهره وری صنعتی محفوظ بماند و از سوی دیگر، اختلاف درآمد میان فقیر و غنی به صورت نامعقول افزایش نیابد.

26. برقرار ساختن پیوند مناسب میان حسابهای تولید و درآمد (از دید تقاضا) و محدوده داده ها- ستاده ها (از دید عرضه) و جریان حسابهای منابع مالی ، به منظور تدوین مدل جامع تجزیه و تحلیل برای ارزیابی دقیق پدیده هایی چون کنترل جمعیت، تاثیر افزایش قیمت مواد غذایی ، افزایش محصول کشاورزی و بالا رفتن قیمت انرژی.

27. تلاش در جهت متوازن کردن رشد اقتصادی.

28. تقویت بخش خصوصی و زمینه سازی برای مشارکت بیشتر مردم در امور اقتصادی.
29. ارتقاء روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای آسیای میانه به عنوان کوتاه ترین راه ارتباطی آنان با خلیج فارس.
30. گسترش نظام ارتباطات در عرصه های داخلی ، منطقه ای و بین المللی.
31. بالا بردن ارزش پول ملی .
32. اصلاح مقررات مربوط به چک و اعتبارات بانکی.
33. حمایت گسترده از بخش کشاورزی به نحوی که بتواند تولید مواد غذایی کشور را همگام با رشد جمعیت بالا ببرد و از مهاجرت روستائیان به شهرها جلوگیری کند.
34. ارتقاء سطح تسهیلات حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی در جهت توسعه راهها ، شبکه راه آهن ، بنادر و کشتیرانی و خطوط هوایی.

35. حمایت ویژه و قدردانی از مبتکران و اندیشمندان کشور در عرصه های صنعت ، تحقیقات و فناوری ؛ و پیشگیری از فرار مغزها.

36. از بین بردن انحصارات و سعی در مشارکت عمومی در امر اقتصاد.

علاوه بر آنچه گذشت، دستور العمل اسلام در جهت توزیع ثروت، به شرح ذیل است:

1. صیانت از عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه.
2. تقسیم مالکیت به سه بخش ملی، خصوصی و دولتی.
3. وضع مالیات به شکل عادلانه.
4. تامین معاش قشر آسیب پذیر جامعه.
5. اخذ حقوق شرعیه از قبیل زکات، خمس، صدقات، کفارات و امثال آنها، جهت تامین نیاز مستمندان.
6. پیشگیری از درآمدهای حرام از راه قمار، ربا، احتکار، اختلاس، گرانفروشی و امثال آن.

7. اصالت دادن به امر تولید در زمینه درآمد زایی و پیشگیری از معاملات خدعه آمیز.

8. تشویق و ترغیب مردم به کار و تلاش در جهت امرار معاش و تامین مخارج زندگی. به عنوان مثال، در حدیثی شریف آمده است که "الكاذّ علی عیاله كالمجاهد فی سبیل الله". یعنی: کسی که برای امرار معاش خانواده خود کار و تلاش می کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می کند.

دیگر اصول و روش های مورد تاکید دین مبین اسلام، در کتابهای مفصل فقهی و اقتصادی اسلامی آمده است.

\*\*\*\*\*



## توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی که به عدالت اجتماعی منجر شود، موجب ایجاد سلامت و آرامش و امنیت جسمانی و معنوی جامعه می گردد و زمینه را برای ادامه توسعه و پیشرفت در عرصه های دیگر حیات، مستعد می سازد.

### تعریف توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی عبارت است از: "فرایند رشد جامعه در جهت رسیدگی به نیازمندان، افزایش امنیت اجتماعی، جبران خسارتها، پیشگیری از آسیبها، محافظت از مردم در برابر حوادث و تضمین برخورداری همگان از مواهب اولیه زندگی". در سایه توسعه اجتماعی ، سلامت جسمی و روحی برای مردم فراهم می شود و شادابی و امید به آینده در سطح جامعه افزایش می یابد.

## اصول توسعه اجتماعی

به منظور نیل به توسعه اجتماعی، اصول زیر باید پیاده شود:

1. همگانی شدن تسهیلات آموزشی ، پرورشی ، بهداشتی و درمانی.
2. برنامه ریزی برای رشد عموم مردم.
3. گسترش سواد آموزی به صورت فراگیر.
4. افزایش امنیت اجتماعی در همه ابعاد.
5. حفظ طراوت و شادابی جامعه و کاهش میزان اضطراب و افسردگی.
6. تقویت روح برادری ، برابری ، گذشت ، همیاری ، شکیبایی ، درستکاری ، آزادگی و مراعات حقوق دیگران.
7. تضمین مایحتاج رفاهی ضروری برای همگان.
8. برنامه ریزی جهت پیشگیری از آسیبهای اجتماعی مانند بزهکاری ، اعتیاد ، تصادفات و سوانح ، آلودگی محیط زیست ، فقر (بویژه کودکان

خیابانی)، خودکشی ، فحشا ، بیماریهای روانی و مرگ و میر زودرس.

9. حاکم ساختن اصل کار و تلاش در جامعه و زدودن روحیه تن آسایی و راحت طلبی.

10- تناسب میزان سرانه سلامتی با نیازهای واقعی مردم.

11. تدوین و اجرای نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی .

12. هدفمند کردن یارانه ها .

13. همخوانی میزان رشد جمعیت با ظرفیتها و امکانات کشور.

14. قرار دادن بنیان جامعه بر اساس نظم و انضباط اجتماعی.

نظر به اهمیت تامین اجتماعی در زمینه توسعه اجتماعی، توضیحات بیشتری در این خصوص، بیان می گردد:

## تأمین اجتماعی

نظام تأمین اجتماعی بر اساس تجارب بسیاری از کشورهای توسعه یافته ، باید شامل بخشهای زیر می گردد:

### 1 - بیمه های اجتماعی مانند:

- بیمه خدمات درمانی.
- بیمه حوادث و سوانح.
- بیمه بیکاری.
- بیمه بازنشستگی.
- بیمه مراقبت از بیماران در منازل و خانه های شهروندان ارشد (سالمنندان).

### 2 - جبران خسارتهای اجتماعی مانند:

- حمایت از قربانیان جنگ و خانواده های آنان.
- جبران خسارت زیان دیدگان به ناحق.
- جبران خسارت قربانیان جنایی.

- اعاده حیثیت اشخاص.

3 - **مساعده‌های اجتماعی** مانند:

- کمک‌های آموزشی و کارآموزی.

- کمک مالی به نوجوانان.

- کمک به پرورش کودکان از طریق والدین آنها.

- کمک به نیازمندان در امر مسکن.

- کمک به معلولان.

4 - **حمایتهای اجتماعی** مانند:

- پرداخت کمک هزینه زندگی به خانواده های کم

درآمد یا بدون درآمد.

اصول و مبانی یادشده، به صورت کلی در بسیاری از

منابع اسلامی در قالب روایات مستند آمده است.

\*\*\*\*\*

## توسعه فرهنگی

برخی از دانشمندان، مقوله فرهنگ را به شرح ذیل  
تعریف کرده اند:

"فرهنگ" ، منظومه ای عالی است که مشتمل بر  
منظومه های کلانی چون دین، زبان، حقوق،  
هنرهای زیبا، و آداب و رسوم می باشد.

### تعریف توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی عبارت است از:

"فرایند بهینه سازی امکانات و شرایط مادی و معنوی  
جامعه در جهت شناخت هویت خویش ، ارتقاء  
سطح دانش ، شکوفا سازی استعدادها ، رشد  
اخلاق و ارزشهای الهی، بهبود روابط انسانی ،  
گسترش فرهنگ قانون پذیری ، مراعات احترام

دیگران ، آزادمنشی، بردباری ، خود اتکایی و نظم در امور".

بزرگترین ثروت یک کشور، منابع انسانی آن است. در صورت شکوفایی و بالندگی این گنج بی پایان ، مکنتی جاودانه و عاملی فعال پدید می آید که سرمایه را رشد می دهد ، از منابع طبیعی استفاده پایدار و مناسب بعمل می آورد ، سازمانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را سامان می بخشد و موجب توسعه ملی در همه ابعاد آن می شود. با این بیان ، اهمیت توسعه فرهنگی که رسالت پرورش نیروی انسانی را بر دوش دارد ، روشن می گردد.

### **شاخص های توسعه فرهنگی**

به منظور سنجش توسعه فرهنگی یک جامعه ، معیارهای ویژه ای وجود دارد که مهمترین آنها بدین شرح است:

- 1 میزان خلاقیت فرهنگی در جامعه.
  - 2 میزان گسترش کمی و کیفی آموزش و پرورش.
  - 3 میزان سرمایه گذاری در زمینه آموزش عالی.
  - 4 میزان فضای پژوهشی فرهنگی.
  - 5 میزان توانایی در امر شکوفا سازی استعدادها.
  - 6 میزان قانون پذیری در جامعه.
  - 7 میزان التزام افراد جامعه به نظم.
  - 8 میزان پایبندی افراد به ارزشهای ملی ، فرهنگی، اخلاقی و معنوی.
  - 9 میزان ایمان مردم به وجدان کاری و ضرورت تحرک و تلاش.
  10. میزان علاقه مندی مردم به میراث علمی و فرهنگی و اهتمام ورزیدن به دانشها و دانشمندان.
  11. میزان علاقه مندی افراد جامعه به مطالعه.
  12. میزان تولیدات فرهنگی در کشور.
- در اینجا، ابعاد توسعه فرهنگی را نیز، از نظر شما می گذرانیم:



## ابعاد توسعه فرهنگی

مهمترین ابعاد توسعه فرهنگی عبارتند از :

1. اصلاح فرهنگ عمومی بر مبنای ارزشهای اصیل ملی ، دینی و فرهنگی.
2. بنیانگذاری بینش فرهنگی نسل جدید بر اساس ارزش ها.
3. بازسازی نظام آموزش و پرورش ، متناسب با مقتضای زمان و رسالت تعلیم و تربیت.
4. ارتقاء آموزش عالی در راستای تولید علم و نوآوری.
5. گسترش فضای پژوهشی و ایجاد آفرینندگی فرهنگی.
6. برنامه ریزی در جهت شکوفایی استعدادها و شناسایی و پرورش استعدادهای درخشان در پرتو تشویق و ترغیب های مادی و معنوی.
7. ترویج فرهنگ نظم ، قانون پذیری و وجدان کاری.

8. تقدیر از قشر اساتید و معلمان و مربیان و فراهم کردن زمینه لازم جهت شناخت و استفاده آنان از بهترین شیوه های آموزشی و مناسبترین روشهای پرورشی.

9. تشویق و ترغیب مردم به مطالعه و کتاب خوانی و زمینه سازی جهت ترویج آن.

10- تبیین اهمیت برخورد مناسب با دیگران بر اساس احترام متقابل ، مدارا و شکیبایی ، نوع دوستی و تحمل آراء و عقاید آنان.

11. گسترش هنرهای سودمند در عرصه های سینما ، تئاتر، نقاشی ، هنرهای تجسمی و مانند آنها.

12. نگرهبانی از هویت فرهنگی جامعه و ارزشهای آن، همگام با حفظ بالندگی فرهنگی و استفاده صحیح از دستاوردهای دیگر تمدن ها و فرهنگ ها، از طریق افزودن کمالات دیگران بر کمالات خویش.

البته در این امر باید مراقب باشیم تا دچار خودباختگی نشویم و به عنوان مثال، در مقابل فرهنگ و تمدن غربی، گرفتار آفت غرب زدگی نگردیم، و تنها آنچه را از فرهنگ و تمدن دیگران ارزشمند است و آفتی ندارد را برگزینیم.

## **مراحل توسعه**

در پایان، نگاهی به مراحل توسعه می افکنیم که به هر حال، برای رسیدن به قله تعالی یک جامعه باید طی شود.

توسعه بطور کلی و توسعه اقتصادی به نحو اخص، در طی مراحل متعددی به ثمر می رسد. حذف هیچیک از این مراحل امکان پذیر نیست. تنها در صورت برنامه ریزی صحیح و تلاش گسترده، سرعت گرفتن و کوتاه کردن فاصله زمانی هریک از مراحل یادشده ممکن خواهد بود.

مراحل توسعه از دیدگاه بسیاری از دانشمندان ،  
بدین شرح است:

1. تغییر ساختارهای نظام کهن با برنامه ریزی و  
مراعات اصول و مبانی صحیح.
2. روی کار آمدن دولت توسعه خواه با ساختار  
سیاسی و اجرایی مناسب.
3. سرمایه گذاری گسترده در زمینه مدرن سازی  
بافت تولید و اصلاح ساختارها.
4. ایجاد توازن در سرمایه گذاری و تناسب در امر  
تولید از طریق بلوک بندی آنها.
5. در مرحله پنجم ، بلوغ فنی و رشد متوازن به  
عنوان مرحله نهایی فرایند توسعه فرا می رسد و  
هدف نهایی در این زمینه، فراهم می گردد.

\*\*\*\*\*